



شناخت و تحلیل نقوش پارچه‌های طراز در تمدن اسلامی با تاکید بر دوره فاطمیان مصری

غزاله اخلاقی^{1*}، ابوالفضل داودی رکن‌آبادی²

*1- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی پارچه و لباس، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، ایران

2-دکتر ابوالفضل داودی رکن‌آبادی، استاد تمام دانشکده هنر و معماری، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی

Email: Ghazaleh_akhlaghi@yahoo.com^{*1}, abolfazldavodi.r@gmail.com²

چکیده

پارچه طراز، از منسوجات نفیس و باارزش در دربار بسیاری از حکمرانان مسلمان مصر بود. بر روی این پارچه، نام‌ها و نشان‌های خلفا از طریق سوزن‌دوزی یا شیوه تاپستری نقش می‌شد. این پارچه به صاحب‌منصبان، ماموران دولتی و بعضاً فرمانروایان کشورهای خارجی اعطا می‌شد و نشان‌دهنده رضایت و اعتماد فرمانروا به فرد گیرنده آن بود. هدف از این پژوهش، بررسی طراز، مضامین و کارکردهای آن در دربار خلفای فاطمی می‌باشد. این پژوهش از نوع توصیفی بوده و با رویکرد بررسی عناصر طراحی و نقوش طرازهای فاطمی به انجام رسیده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که طرازها کارکردهای گوناگونی داشتند. برخی طرازها با کارکرد مذهبی برای کفن تدفین به‌کار می‌رفتند. طراز در ساختار سیاسی و حکومتی خلفا اهمیت داشت و ابزاری در راستای تأیید حامیان حکومتی بود. همچنین، مضامین موجود در طراز همچون رسانه‌ای، حاوی قدرت و اقتدار حاکم را پیام‌رسانی می‌کرد. با توجه به نوع کاربرد، طرازها نوشته‌ها و تزیینات متفاوتی داشتند و غالباً نام و علامات شاهانه، نام وزیر، نام کارخانه، شهر و بافنده آن نیز بودند. در دوره فاطمی، از خط کوفی در ایجاد نوشته‌ها استفاده می‌شد، هم‌چنین هنرمندان در تزیین و زیباترکردن طرازها با استفاده از نقوش حیوانی و گیاهی اهتمام نموده و نمونه‌های نفیسی ایجاد نموده‌اند.

واژگان کلیدی: دوره فاطمیان، پارچه‌های طراز، نقوش، کارکرد



مقدمه

پارچه‌بافی از صنایعی است که همواره در طول تاریخ مورد توجه حکمرانان بوده است. شواهد نشان می‌دهد که فرمانروایان به لباس و تزیینات قصرهای خود اهمیت زیادی می‌دادند و از غالباً پوشاک نفیس و فاخر استفاده می‌کردند، زیرا این امر را نشانی از اقتدار و قدرت خود می‌دانستند. لذا کارگاه‌های بافندگی سلطنتی با تعداد زیادی بافنده ماهر و زبردست، همواره در حال فعالیت بود تا نیازهای دربار را پاسخگو باشد. خلفای مسلمان مصر نیز به هنرها، بالاخص پارچه‌بافی اهمیت می‌دادند و آن را حمایت می‌کردند. فاطمیان در سال‌های (567-297 هجری) بر مناطق وسیعی از سرزمین‌های غرب جهان اسلام حکومت می‌کردند. آنان شیعیان اسماعیلی بودند و در مقابله با خلفای عباسی، خود را خلفای برحق می‌دانستند. این حکومت در کشور مغرب تأسیس شد و پس از مدتی شمال آفریقا، مصر، سوریه و یمن را به حاکمیت خود درآورد. اولین فرمانروای فاطمی، عبیدالله مهدی بود، لذا آنان را «عبیدیان» نیز می‌نامند. در اواسط قرن 10/4، آنان شهر قاهره را در مصر بنا کردند و اولین خلیفه فاطمی به نام «المعزالدین الله»، بر تخت فرمانروایی نشست. سلطه فاطمیان به دنبال لشکرکشی‌های متعدد گسترش یافت. آنان بر سرزمین‌های وسیعی فرمانروایی می‌کردند و در آرزوی غلبه بر خلافت عباسی بغداد بودند که هرگز محقق نشد (زیدان، 1386: 75). مسلمانان فاتح، میراثدار سنت‌های بافندگی ایران، بیزانس و سوریه شدند و کارگاه‌های بافندگی تحت نظر استادان مبرز، به تولید پارچه ادامه داد.

در کشور مصر، که از مراکز مهم بافندگی در جهان به‌شمار می‌رود، منسوجات زیبایی در کارگاه‌های پارچه‌بافی آن تولید می‌شد که به مصرف پوشاک، اثاثیه و سایر اقلام می‌رسید. بدون شک یکی از مهم‌ترین و زیباترین پارچه‌هایی که در دوره خلفای اسلامی مصر تولید می‌شد، طراز است. پارچه‌ای باشکوه که حامل کارکردهای گوناگونی برای حکمرانان بوده است. طراز، یکی از نشانه‌های قدرت تعداد زیادی از سلاطین بوده است. نوشتن نام‌ها یا استفاده از نشان‌های خانوادگی، که مخصوص حکمرانان بود، در حاشیه لباسی که برای پوشیدن خلفا تهیه می‌شد، طراز نام گرفت. این منسوجات برای سلاطین از حریر، دیبای زربفت یا ابریشم تهیه می‌شد. نوشته‌ها در غالباً تار و پود پارچه با نخ‌های گلابتون یا رشته‌های رنگی غیرطلائی، ایجاد می‌شد و رنگ آن‌ها با رنگ زمینه پارچه متفاوت بود تا نوشته‌ها را برجسته‌تر نمایان سازد.

هدف از این مقاله، بررسی طراز، نحوه تولید، مضامین و مفاهیم به‌کار رفته در آن در دوره فاطمیان مصر است تا از این طریق، کارکردهای طراز شناسایی گردد. پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به آن‌هاست عبارتست از:

- طراز چیست و چگونه تهیه می‌شد؟
- چه کارکردهایی برای طرازهای فاطمیان می‌توان برشمرد؟

پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه این تحقیق می‌توان به مقاله طالبپور (1395) با عنوان کارکردهای طراز در دوره فاطمیان اشاره نمود. یافته‌های او نشان داد که طرازها کارکردهای گوناگونی داشتند. برخی طرازها با کارکرد مذهبی برای



کفن تدفین به کار می‌رفتند. طراز در ساختار سیاسی و حکومتی خلفا اهمیت داشت و ابزاری در راستای تایید حامیان حکومتی بود. همچنین، مضامین موجود در طراز همچون رسانه ای، قدرت و اقتدار حاکم را بر پیام‌رسانی می‌کرد. با توجه به نوع کاربرد، طرازها نوشته‌ها و تزیینات متفاوتی داشتند و غالباً حاوی نام و علامات شاهانه، نام وزیر، نام کارخانه، شهر و بافنده آن نیز بودند. در دوره فاطمی، از خط کوفی در ایجاد نوشته‌ها استفاده می‌شد، همچنین هنرمندان در تزیین و زیباتر کردن طرازها با استفاده از نقوش حیوانی و گیاهی اهتمام نموده و نمونه‌های نفیسی ایجاد نموده‌اند. زهرا علی‌نژاد اسبویی در سال (1390) اشاره کرد که به بررسی طراز در دوره سلجوقی پرداخته است. همچنین حمیدرضا وردی (1385) در مقاله‌ای به بررسی انواع هنرهای رایج در دوره فاطمیان پرداخته است که بخشی از مقاله نیز به معرفی انواع پارچه و پوشاک در دوره فاطمی اختصاص دارد. عبدالله همتی گلیان (1389) در مقاله‌ای به بررسی طراز در تمدن اسلامی پرداخته است. زکی محمدحسن (1382) نیز در کتاب گنجینه‌های فاطمیون به معرفی تعدادی از طرازهای این دوره پرداخته است. در خصوص طرازهای فاطمیان تاکنون پژوهش مستقلی انجام نشده است. از آنجایی که تاکنون مطالعات جامعی در این خصوص صورت نگرفته است و با توجه به اهمیت سیستم طراز در ساختار حکومتی خلفای فاطمی، این موضوع جالب و درخور مطالعه می‌باشد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش توصیفی و با رویکرد مقایسه ساختارشناسانه طرازها انجام گرفته و به بررسی عناصر طراحی و خط نوشته‌های مورد استفاده در طرازها پرداخته است. شیوه جمع‌آوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و ابزار گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری است.

یافته‌ها

معرفی طراز

طراز از کلمه ترازیدن به معنی رودوزی کردن مشتق شده است و در طول زمان جهت توصیف لباس افتخاری به کار رفته است (Baker, 1995:4). در دایرة-المعارف اسلامی ذیل واژه طراز چنین آمده است: «کلمه طراز از زبان فارسی مشتق شده و به معنای رودوزی است». بعدها به ردایی که با رودوزی تزیین می‌شد، اطلاق شده است؛ به خصوص لباسی که با رودوزی، روی آن نوشته‌هایی ایجاد شده باشد. این لباس توسط حکمران یا فرد عالی مقام پوشیده می‌شد. همچنین این کلمه به معنای کارگاهی است که این نوع البسه در آن-جا تهیه می‌شد. نوشته‌هایی که در حاشیه لباس دوخته می‌شد، به صورت بافت یا دوخت روی پارچه بود (Grohmann, 1934: 85). در آغاز دوره اسلامی، نوشته‌های غیرتکراری روی پارچه‌ها به کار برده می‌شد که این نوشته‌ها یا در بافت پارچه بود یا روی آن سوزن‌دوزی می‌شد. این پارچه به سلطان تعلق داشت و آن را مصرف می‌کرد و یا به افراد عالی مقام اهدا می‌نمود که به آنها لقب «اصحاب الخلع» داده می‌شد. کارگاه-های طرازبافی در ابتدای دوره اسلامی در تعدادی از کشورهای مسلمان دایر شده بود، اما به علت مرغوبیت طرازهای ایرانی، این تولیدات به بقیه نقاط جهان نیز صادر می‌شد (ابن حوقل، 1345).

یشینه تولید طراز

بر روی طرازها علائمی از عظمت خلفا نقش می‌شد که جنس آن از ابریشم بود، در حاشیه هنگام بافت پارچه که غالباً و با نخ‌های زرین صورت می‌گرفت. پادشاهان غیرعرب، پیش از اسلام دستور می‌دادند که صورت و اشکال آنان به کار برده شود. لذا این مطلب اثبات می‌کند که این نوع پارچه قبل از اسلام نیز تولید می‌شد و پس از اسلام به دلیل منع استفاده از



نقوش انسانی و حیوانی و رواج استفاده از خط در تزیینات پارچه، به کتابت و خط نوشته‌ها اکتفا شده است. ابداع چنین سیستمی به «عبدالملک»، خلیفه اموی، نسبت داده شده است. بر اساس تقلیدی از الگوهای ساسانی یا بیزانس بوده، که احتمالاً ولی به سرعت همه مراکز اسلامی از آن تقلید کرده اند (Baker, 1995:54). تولید منسوجات با نوشته‌های عربی در دارالطراز در جهان اسلام رواج یافت و سیستم طراز شکوفا گردید. طراز در دوره خلفای بنی‌امیه و عباسیان که قدرت خلیفه بسیار زیاد بود، به اوج خود رسید. در سال (86-705/65-685 هجری قمری) ساختار طراز مصر تحت نظارت «عبدالملک» قرار گرفت. او متوجه شد که منسوجات و سفالینه‌هایی که در مصر تهیه می‌شوند، دارای خط یونانی و مضامینی از دین مسیحیت هستند و به فرماندار مصر دستور داد که دیگر نوشته‌های یونانی را به کار نبرند و صنعتگران از خطوط اسلامی به جای آنها استفاده کنند. این مسئله «ژوستنین دوم»، امپراتوری روم را آزرده خاطر نمود، زیرا کشور روم بزرگترین واردکننده آثار هنری و منسوجات مصری در آن زمان بود. امپراتور روم شرقی در تشویق خلیفه به منظور حفظ خط یونانی شکست خورد و خلیفه را تهدید نمود که جملاتی علیه پیامبر اسلام (ص) روی سکه‌های طلای بیزانس خواهد نوشت.

شایان ذکر است که این سکه‌ها در امپراتوری اسلام استفاده زیادی می‌شد. عبدالملک دستور داد که از آن پس این مصنوعات به بیزانس صادر نشود و در عوض سکه‌های اسلامی ضرب نمود و این مسائل منجر به جنگ بین دو قدرت گردید (Liu, 1996: 142-144). برخی از پژوهشگران، پارچه‌های طرازی را که از یک سو به علائم شاهانه و حکومتی، نشان‌دار می‌شد و از سوی دیگر برخوردار از شاخصه‌های هنری بالایی بود را «نگارجامه» نامیده‌اند.

نمونه‌هایی از طراز دوران اسلامی از کشور مصر به دست آمده است که محل بافت روی آنها دیده می‌شود. در مقایسه با این طرازها، مسعودی در کتاب «مروج الذهب»، نمونه طرازی را ذکر کرده که متعلق به ایران قبل از دوران اسلامی است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که کارگاه‌های طرازبافی در قلمرو پادشاهی ساسانیان بوده و پس از استیلای اعراب، آنان تمام کارگاه‌های نساجی را تحت حمایت خود گرفتند (Serjeant, 1972:9). از اوایل دوره اسلامی در ساختار طراز با سبک اسلامی، احتمالاً مصر شروع شده است، زیرا مدرکی وجود دارد که استفاده از پارچه کتان را در طراز در زمان عمر نشان می‌دهد (Liu, 1996:144). حکومت اسلامی با تسلط اعراب بر بین‌النهرین، سوریه، مصر و ایران، به اسپانیا و سیسیل رسید. در ممالک اسلامی، طراز وسیله‌ای ارتباطی بود و در تمام این مناطق تولید می‌شد و همه در اختیار حکومت قرار می‌گرفت. سیستم طراز، صنعت ابریشم و نساجی را در این مناطق شکل جدیدی داد، به نحوی که کارگاه‌های پارچه‌بافی، مجبور به تولیداتی با کیفیت بالا و در حجم زیاد شدند. اعراب پس از تسلط بر سرزمین‌های مغلوب، تمام کارگاه‌های ابریشم‌بافی آنان را در اختیار خود گرفتند و ساختار طراز را بنا کردند تا سازمان جدیدی را برای ساختار سیاسی و اسلامی خود ایجاد کنند. لذا عجیب نیست که نوآوری اسلامی در منسوجات ابریشمی با خط و نوشته آغاز شده باشد. نحوه نوشتن عبارات بر طراز به تدریج تکامل یافت و زیبایی و ظرافت بسیاری در آن ایجاد شد. بسیاری از پژوهش‌های منسوجات اسلامی تحت تأثیر مطالعات طراز قرار گرفته است. مطالعه طراز نیز بر کشور مصر در دوره اسلامی متمرکز است، زیرا بسیاری از این منسوجات، از مصر یافت شده است. بیشتر منسوجات در آن محل تولید شده یا از آن جا به سایر نقاط جهان صادر شده‌اند.

پارچه بافی و طراز در دوره فاطمیان

با وجود تعداد زیاد منسوجاتی که از دوره فاطمیان باقی مانده است،



بررسی پارچه‌بافی این دوره مشکل است، زیرا بیشتر منسوجات موجود، تکه-هایی بریده شده از قطعات بزرگتری هستند که تنها بخش تزیینی آنها باقی مانده که شامل خط نوشته، نقش و نخ‌های زری آن است (Irene, 1998:13). خلفای فاطمی مصر توجه ویژه‌ای به صنعت نساجی داشتند. در آن زمان پارچه‌بافی مصر متأثر از شیوه‌های بیزانس، ساسانی و اسکندریه بود. پارچه‌های کتانی و پنبه‌ای در شهرهای تنیس و پارچه‌های ابریشمی در اسکندریه و دبیق، دمیاط شطا تهیه می‌شد. بسیاری از پارچه‌های نفیسی که برای تهیه لباس یا حفظ هدایای یادبود در کلیساها به کار می‌رفت، از این شهرها به بیزانس و ایتالیا صادر می‌شد که بقای بسیاری از این منسوجات نیز نتیجه همین تجارت گسترده است (محمدحسن، 1382: 116). سیاست فاطمیان موجب شد که خلفا توجه ویژه‌ای به جمع‌آوری زیباترین فرش‌ها و منسوجات برای قصرهای خود آن را تاسیس داشته باشند. به‌خصوص تالار زرین، که «العزیز» آن را تاسیس کرده بود؛ تا جلسات مجلس شاهانه در آنجا برگزار گردد.

در هر شهری منسوجات شبیه پارچه‌های محلی و ملی بود و هر مسافری با تماشای پرده‌های آویخته در منازل می‌توانست دریابد که در کدام منطقه از کشور است (متز، 1364: 194). فاطمیان که سنت‌های بافندگی غنی را در مصر به دست آورده بودند، با دقت، قصرها و شهرها را با انواع پارچه‌ها تزیین می‌کردند. در هنگام مراسم و اعیاد مذهبی، زیبایی پرده‌های قصرها، رو زینی‌ها و خیمه‌ها همه را شگفت زده می‌کرد. برای دستیابی به چنین شکوهی، نیاز به استخدام تعداد زیادی بافنده ماهر در کارگاه‌های بافندگی بود (Liu, 1996: 154). تولید طراز در کارگاه‌های درباری انجام می‌شد و مقادیر زیادی طلا و نقره به رشته‌های الیاف تبدیل می‌شد تا با آنها پارچه بافته شود، لذا نیازمند سرپرستی و مدیریت افرادی مورد اطمینان خلیفه بود تا تبدیل شمش‌های طلا به رشته‌های زرین را کنترل کرده و کارکنان کارگاه، امکان سودجویی نداشته باشند (Calderini and Cortese, 2006:84).

در این خصوص محمدحسن گفته است که: «خدمت در طراز را که موصوف به «الطراز الشریف» است، جز کارکنان برجسته از میان صاحبان دستار و شمشیر بر عهده نمی‌توانند گرفت و انتصاب اینان، خاص خلیفه است و از دیگر کارکنان متمایزند. هنگامی که سفارش بافت البسه خاص خلیفه بدان‌ها می‌رسد، لباس‌ها را با احترامی زیاد آماده می‌کنند. از لباس مخصوص و همتای آن البده جمله این لباس‌ها المظله خلیفه برای اجتماعات است».

مضامین و نوشته‌های طراز

تصویر نمودن چهره پیامبران و اولیاء الهی در اسلام نهی شده است تا پیکر آنان، معبود بتپرستان قرار نگیرد و در شخصیت غیرقابل تقلید بودن ایشان، خدش‌های وارد نگردد، لذا مخالفت با تصویر جانداران در اسلام، به طرز جدانپذیری با امور مقدس همراه گردیده است (بورکهارت، 1392: 40). درباره مخالفت با تصویرسازی جانداران می‌توان به دو جنبه اشاره نمود: «اول اینکه وقار و هیمنه بشر را محفوظ می‌دارد که به «صورت خدا» محدود و ناقص آفریده شده است تا در یک اثر هنری که لزوماً است، نگاشته نشود یا مورد سوء استفاده قرار نگیرد. از سویی نیز هیچ چیزی نباید، حتی نسبی و موقتی هم شده باشد، میان آدمی و خدای نادیده حایل شود (بلوم و همکاران، 1389: 43). لذا کلام و نوشتار در دوره اسلامی اهمیت زیادی یافته و به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر تزیینی در هنرهای اسلامی به کار رفته است. در هنر اسلامی، حروف و کلمات جنبه تقدس یافتند و کاربرد آنها بر روی پارچه، علاوه بر رساندن مفاهیم و مضامین خاص، این ویژگی را نیز القا می‌کردند. نوشته‌هایی که بر روی پارچه‌ها به کار می‌رفت، معنای خاصی داشت، لذا خطاطی و نوشته، مهم‌ترین شکل غالباً تزیین گردید و به طرح پارچه‌ها افزون شد. این نوشته‌ها، یا گلدوزی می‌شد یا با نخ ابریشم در



حاشیه پارچه بافته می‌شد. اهمیت سیاسی طراز موجب گردید که هر پادشاه و خلیفه‌ای دستور دهد که نام‌ها یا نشان‌های مخصوص او را بر پارچه‌های طراز نقش کنند. لذا طراز از یک سو به علائم شاهانه و حکومتی نشان‌دار می‌شد و از سوی دیگر برخوردار از شاخصه‌های هنری بالایی بود (Serjeant, 1972: 9).

طراز، نشان دهنده قدرت سیاسی خلیفه بود، نام حاکم وقت طراز، نشان دهنده قدرت سیاسی خلیفه بود، نام حاکم وقت بر روی آن به عنوان علامت سلطنت و حکومت وی نقش می‌شد. نوشتن اسم خلیفه روی طراز مانند نقش او بر روی سکه و دعای وی در خطبه‌ها، یکی از نشانه‌های سلطنتش محسوب می‌شد. گاهی نیز خلیفه برای احترام یا ترس از استیلای وزیر خود، اجازه می‌داد تا نام او نیز بر روی طراز نقش شود. مثلاً «المستنصر»، نام وزیرش، بدرالجمالی، را بر روی طراز خود رقم زده است (محمدحسن، 1382: 123). طراز در کارخانه‌هایی به نام «دارالطراز» به صورت نوارهایی تزیینی تهیه و در حاشیه پارچه‌های ساده به عنوان عنصری تزیینی استفاده می‌شد. نوارها حاوی اطلاعات خاصی بودند که معمولاً «بسم الله» آغاز می‌شد و شامل نام خلیفه، نام وزیر، نوع و وضع کارخانه طرازبافی، شهر و تاریخ بافت نیز می‌شد (برند، 1383: 45). گاه در طراز، دعا برای حاکم، نام شهر و اسم فردی را که طراز را برای جلوه‌گری بیشتر نوشته‌ها، بافته بود، نیز نقش می‌شد. بعضاً عبارات را با رنگ قرمز بر زمینه رنگی متضاد، نظیر سفید می‌نوشتند (محمدحسن، 1377: 371). نوشته‌های طراز حاوی پیام‌هایی بود که در راستای منافع اهداکنندگان آن بود که مهم‌ترین آنها، تقویت اقتدار و قدرت حکمرانان بود. در این نوشته‌ها، وابستگی به حکومت مرکزی تشویق یا القاء می‌گردید. غالب نوشته‌های طراز، پیام «نیروی الهی و اقتدار مطلق فرمانروا» را در خود داشت که در کنار مضامین دیگری همچون اسامی، القاب سلطان و تمجید وی هم زمان پیام‌رسانی می‌کرد (سواژه، 1366).

طراز در ساختار حکومتی خلفای فاطمی

در دوره فاطمیان، نظام طراز به قدری پیشرفت نمود که تولیدات زیادی با کیفیت عالی عرضه می‌شد و پارچه‌های گران‌بهای حریر برای سلطان در طرازخانه بافته می‌شد. از این پارچه‌های نفیس، انواع روپوش، پیراهن، عمامه و شال کمری تهیه می‌گردید. تعداد زیادی از منسوجات گران‌بهایی که به دستور خلیفه تهیه می‌شد، برای هدیه به امیران و پادشاهانی بود که سلطان مصر خواستار دوستی با آنها بود و یا با آنان روابط حسنه‌ای داشت. خلفای فاطمی می‌دانستند که پادشاهان بیزانس و حاکمان اروپای جنوبی، منسوجات مصری را می‌پسندند، لذا از ارسال هدایایی همچون پارچه‌های نفیس طرازه دربار آنان جهت جذب حمایتشان بهره‌برداری می‌کردند. هنگام هدیه دادن به بزرگان خارجی، پارچه‌های لباسی بر سایر اقلام مقدم بود (محمدحسن، 1382: 117). در این دوره، پارچه‌های نفیس نشان‌دهنده قدرت خلیفه، طرازها حاوی نوشته‌هایی مقتبس در مراسم عمومی بود. بعضاً از مکتب شیعه بوده و به اصل و نسب خلفا اشاره می‌نمود. روی سینه، پشت لباس، لبه (برند، 1383: 68).

طراز را معمولاً لباس و گاه روی بازوی جامه ماموران دولتی نصب می‌کردند. در واقع طراز با حکم مدال امروزی برابری می‌کرد (فریه، 1374: 55). در نظر حکمرانان، مهم‌ترین مورد تولید و مصرف طراز، تهیه پوششی برای خانه کعبه بود که انجام آن موهبتی بزرگ به شمار می‌آمد (شکل 1) (چیت‌ساز، 1379: 154).



شکل 1. سوزن دوزی آیات قرآنی با رشته‌های طلا و نقره روی زمینه سیاه بر روی کسوه کعبه. منبع: (بیکر، 1385: 19)

در طراز، طلب دعای خیر و برکت برای خلیفه و اجداد پاکش وجود داشت و یا فهرستی از اسامی خلفای مشروع نام برده می‌شد تا مشروعیت و حمایت از خلیفه وقت را القاء یا تأکید نماید. لباس افتخاری یا خلعت به نام خلیفه به افراد عالی‌مقام، حامیان حکومت و نیز اشراف اعطا می‌شد. این تنوع و گستردگی استفاده از خلعت، نشان می‌دهد که چه افرادی به حکومت نزدیکتر بودند و از آن حمایت می‌کردند. جشن‌ها، در حداقل زمان ممکن هزاران دست از این لباسها را تهیه کنند (کونل، 1368: 71).

بحث و تحلیل یافته‌ها

روش‌های تهیه طراز و مواد اولیه آن

طراز در ابتدا به صورت بسیار ابتدایی بر روی پارچه‌های ساده با روش چاپ ایجاد می‌شد. هنرمندان و صنعتگران نوشته‌هایی را که می‌خواستند بر روی طراز نقش گردد، با استفاده از چاسمه‌ای و مهرهای چوبی بر روی پارچه‌ها چاپ می‌کردند. تمام رنگ‌هایی که استفاده می‌شد، رنگ‌زاهای طبیعی بودند و صنعتگران مسلمان به خوبی با شیوه استفاده از آنها آشنایی داشتند (رایس، 1375: 106). در نمونه‌های قبل از قرن (11/5) خطوط و نقوش با شیوه پارچه از کتان سوزن‌دوزی روی پارچه‌ها دوخته می‌شد. معمولاً سفید با بافتی ساده بود و نوشته‌ها با نخ‌های ابریشم الوان روی پارچه سوزن‌دوزی می‌شد. این عمل محدودیت خاصی نداشت، لذا هر نوع نوشته و آرایه‌ای قابل رودوزی بود. در سال‌های پایانی حکومت فاطمیان، کتیبه‌ها به صورت برجسته بر روی پارچه در شیوه دیگر، نوشته‌های روی پارچه، با بافت تاپستری 10 ابریشمی سوزن دوزی می‌شد (شکل 2) (بیکر، 1385: 65) ایجاد می‌شد.





شکل 2. طرازی که در دوره الظاهر از کتان تهیه شده و دارای کتیبه‌ای است که بر تبار و خاندان خلیفه تأکید دارد منبع (بیکر، 1385: 60)

در این حالت، نوشته به صورت نواری جداگانه بافته می‌شد و سپس بر روی پارچه اصلی متصل می‌گشت. از ربع دوم قرن 9/3، روش بافت تاپستری در بافت نوارهای طراز استفاده شد (همان، 64). بافندگان مصری در این شیوه از نخ ابریشمی استفاده می‌کردند که ظرافت زیادی داشت (شکل 3). طرازها با جملاتی مانند «بخت و اقبال خوب» و «موفقیت و کامیابی» تهیه می‌گردید. برای به دست آوردن طول مناسبی از نوشتار، ممکن بود که جمله مورد نظر چندین بار تکرار گردد که باعث به وجود آمدن خطوط ممتد بسیار زیبایی می‌شد. متن نوشته‌ها بر روی پارچه با توجه به کاربرد و استفاده آن متفاوت بود. بسته به این که پارچه برای پوشاک، پوشش قبر یا خلعت یا استفاده خاص دیگری باشد، مضامین مختلفی داشت (Harris, 1995:72).



شکل 3. طراز کتان با تاپستری ابریشم، مصر قرن 1/6

در نوع دیگری از طراز، نوشته‌ها و سایر نقوش تزئینی همراه با بافت زمینه پارچه، بافته می‌شد. نوشته، بافت مجزایی نداشت و نخ‌های تزئینی رنگی با جنس مرغوب در بافت به کار می‌رفت. بنابراین در طول زمان، این نوع طرازها آسیب کمتری دیده‌اند و نوشته‌های آنها باقی مانده است. این طرازها دارای بافتی ساده، ابریشمی، کتانی و گاهی هستند و نخ‌های خط نوشته‌ها معمولاً نیز گلابتون است. در آن زمان، تهیه طرازهای طرح‌دار پیچیده همراه با خط نوشته در هنگام بافت پارچه، فقط با استفاده از دستگاه‌های دستوری یا نقش‌بندی امکان‌پذیر بود که این نوع دستگاه‌ها در کارگاه‌های پارچه‌بافی ایرانی و مصری وجود داشت، زیرا در امپراتوری بیزانس و ساسانی، بافت پارچه‌هایی با نقوش پیچیده، بسیار رایج بود. اعراب با فتح این سرزمین‌ها، تمام کارگاه‌های بافندگان آنان را در اختیار گرفتند و به علاوه با حمایت از هنرمندان و صنعتگران، پارچه بافی با همان شیوه‌های پیشین به کار خود ادامه داد. نکته قابل توجه



این است که در ساختار طراز، نوشته‌ها و نقوش تزیینی به صورت نواری باریک یا عریض در محل خاصی از پارچه ظاهر می‌گردید و چون نیازی به تکرار مداوم این نوشته‌ها و نقوش بر روی کل سطح پارچه نبود، هنرمندان از روش تاپستری استفاده می‌کردند تا طرح دلخواه فقط در بخش معینی از پارچه ظاهر گردد. اختلاف کیفیت در طرازها به این معنی نیست که تولید طراز در مدت کوتاهی انجام می‌گرفت، بلکه کارگاه‌های طرازبافی تا سال 1309/709 فعال بودند. در حکومت فاطمی، استفاده از طراز بیش از سایر حکومت‌های دیگر برای اظهار عادات، آداب سیاسی و مذهبی مورد استفاده قرار گرفته است (بیکر، 1385: 60).

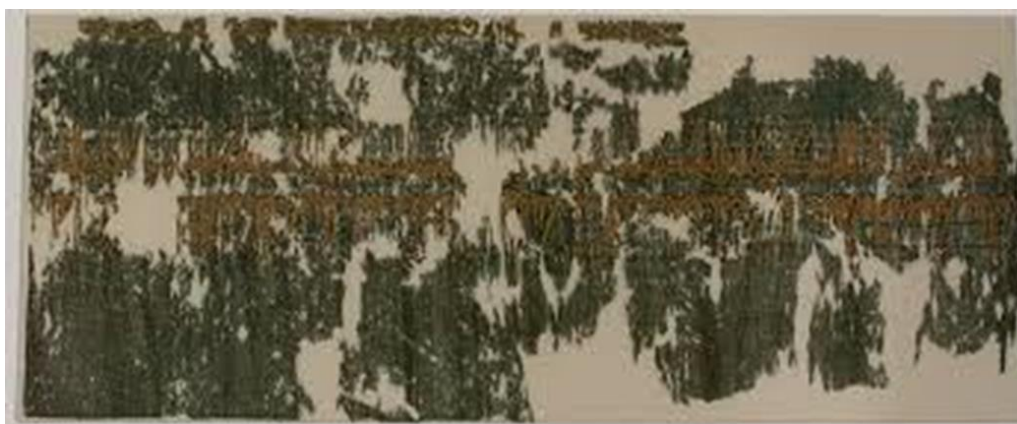
کارکردهای طراز

طرازها دارای کارکردهای گوناگونی به شرح زیر بوده‌اند:

✦ **کارکرد مذهبی و دینی:** طرازهایی که برای کفن تدفین تهیه شده‌اند، حاوی آیات قرآن در ارتباط با مرگ و جهان آخرت هستند. (شکل 4)، طراز متعلق به ربع آخر قرن 10/4، کفن تدفین از کتان رنگ نشده می‌باشد. کتیبه روی آن با شیوه تاپستری از ابریشم قرمز با مضمون به نام خداوند بخشنده مهربان، با خط کوفی نوشته شده است (بیکر، 1385: 60).



شکل 4. کفن تدفین از کتان رنگ نشده متعلق به ربع آخر قرن 10/4



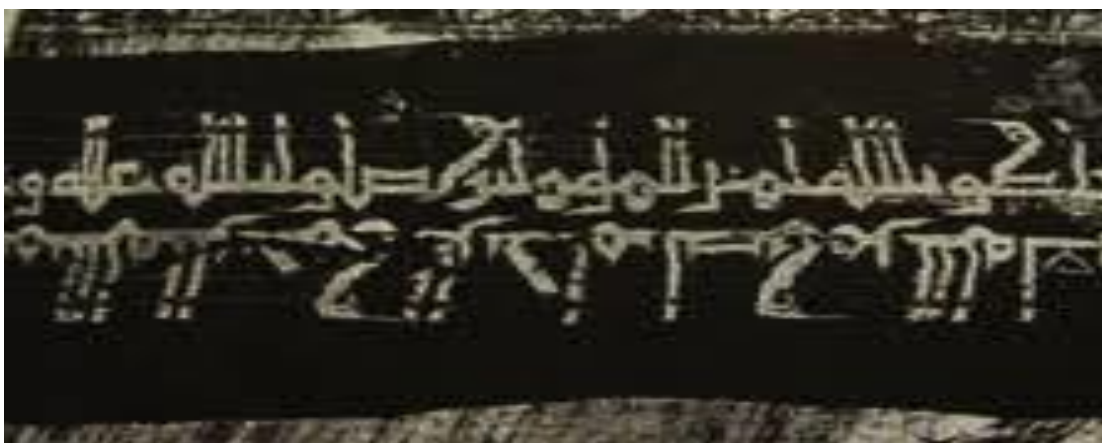
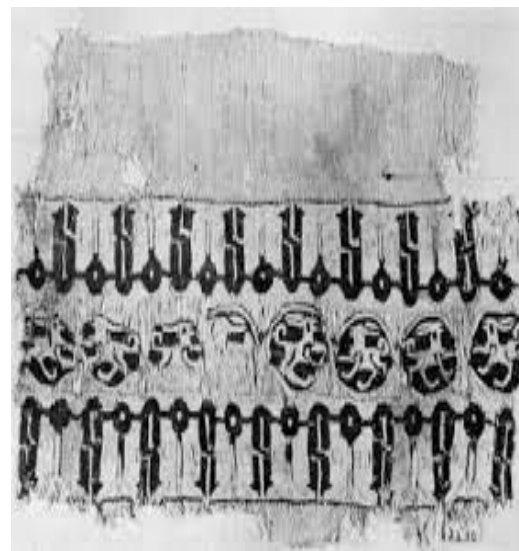
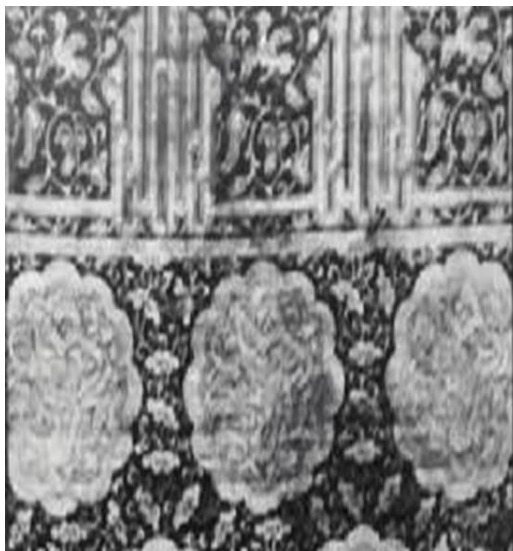
شکل 5. طراز کتان با بافت تاپستری نخ ابریشم، تنیس مصر، مضمون کتیبه با خط کوفی: به نام خداوند بخشنده و مهربان- خدایی به جز او نیست- خدمتگزار خدا و خلیفه او امام العزیز بالله فرمانده با ایمان و باوفا. دعای خیر خداوند بر او باد. سفارشی که در کارگاه دولتی تنیس در سال 373 تهیه شده است. بهترین آرزوها. منبع (The Royal Museum Ontario).

✦ کارکرد اجتماعی و تبلیغاتی: طرازهایی حاوی عباراتی جهت طلب دعای

خیر و برکت برای خلیفه می‌باشند که حالت تبلیغی برای وی به همراه داشته و بر حکومت فرمانروا صحنه می‌گذارند.



کارکرد سیاسی و حکومتی: در دوره فاطمی، طراز به عالی مقامان داخلی و خارجی اعطا می‌شد و لذا حکمرانان در تغییر و تحولات پوشاک آن دوره نقش مهمی داشتند. برخورداری فرد از لطف و هدیه سلطان، با کسب موقعیت اجتماعی او همراه بود. طراز همچون سندی از رضایت سلطان بود و گیرنده آن در راستای حمایت از خلافت تأیید می‌شد. طراز، نقش مدال را در آن زمان داشت و ابزاری برای صحنه گذاشتن بر لیاقت افرادی بود که به مناصب دولتی می‌رسیدند و وابستگی و حمایت آنان را به حکومت مرکزی نشان می‌داد. امروزه نیز حکومت‌ها از طریق ترفیع مقام و اعطای نشان‌های افتخاری به افراد شایسته عمل می‌کنند. در مقابل یکی از علائم خلع مامورین از مناصب و سمت‌های دولتی، حذف نام آنان از نوشته‌های طراز بود. هر سلطانی که بر مصدر حکومت می‌نشست، دستور می‌داد که نام حاکم پیشین را از طراز حذف کنند و نام وی را بر آن نقش زنند (شکل 6).



شکل 6. طراز از کتان و حریر با نام خلیفه فاطمی، الحاکم بامرالله (محمدحسن، 1382: 128)



الظاهر از کتان
ای است که بر
تأکید دارد

شکل 7. طرازی که در دوره
تهیه شده و دارای کتیبه
تبار و خاندان خلیفه

کارکرد

تجاری- بازرگانی: در دوره فاطمی، منسوجات نفیس ارزش زیادی داشتند و حتی به عنوان خراج مطرح می‌شدند. از بعد اقتصادی می‌توان جایگاه طراز را در بازارهای داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد. طرازهای عامه برای استفاده مردم تهیه می‌شد و دولت با فروش آنها می‌توانست درآمد قابل توجهی کسب نماید. این پارچه‌های ارزشمند خواهان زیادی داشت و قطعاً ثروتمند می‌توانستند آنها را تهیه کنند. وجود این بازار مصرف، بافندگان و هنرمندان را تشویق می‌کرد که انواع متنوعی طراز با کیفیت بالا تهیه کنند که به نوبه خود باعث ارتقای صنعت نساجی در آن زمان و رونق این منسوجات، منجر به توسعه اقتصاد کشور می‌شد (شکل 8). نمونه‌ای از طرازهایی است که برای فروش خط شبه کوفی که حالت تزیینی یافته است، احتمالاً تهیه شده است. از سویی دیگر، طراز یکی از اقلام مهم صادراتی محسوب می‌شد و درآمد زیادی را نصیب کشور می‌کرد. بزرگان کشورهای خارجی نیز به این منسوجات علاقه داشتند و حتی لباس کشیشان از این پارچه‌ها تهیه می‌شد.

کارکرد هنری:

نفاست پارچه‌های طراز که از ابریشم و دیبای زربفت تهیه می‌شد، همراه با نوشته‌های معنادار آن، زیبایی خاصی به آنها می‌بخشید. خط نوشته‌ها با استفاده از خط کوفی بر روی زمینه پارچه نقش می‌شد که برای زیباتر کردن آنها از خط کوفی برگردار و گلدار



استفاده می‌شد که به تدریج به خطوط تزیینی مبدل گردید. کاربرد نقش مایه‌های تجریدی حیوانات و گیاهان در ترنج‌های رنگارنگ، زیبایی بافته‌ها را دوچندان می‌نمود. استفاده از سوزن‌دوزی با نخ‌های ابریشمی رنگارنگ یا زرین و سیمین جلوه زیبایی به این پارچه‌ها می‌بخشید. بافت نوارهای طراز با روش تاپستری شیوه‌ای آشنا برای هنرمندان بود که با نخ‌های ظریف ابریشمی انجام می‌شد. هنرمندان از شیوه‌های چاپ و بافت پارچه هم برای ایجاد نوشته‌ها استفاده می‌کردند و با برجسته کردن حروف و کاربرد رنگ‌های متنوع، عبارات را نمایان‌تر می‌ساختند تا از این طریق اطلاع‌رسانی و تبلیغ نمایند.



شکل 8. قطعه ای از شال، قرن 10/4 مصر، پارچه پشمی با گلدوزی‌هایی با پشم آبی و گل‌های قهوه‌ای، کتیبه با خط شبه کوفی، منبع (Athens, Museum Benak)



شکل 9. نمونه‌ای از پارچه طراز که پارچه بسیار گران قیمت و مورد استفاده خلفا و دولت مردان فاطمی بوده است

نتیجه‌گیری

طراز در دارالطراز که کارگاه پارچه‌بافی دولتی خلیفه بود، تولید می‌شد. برای تهیه برخی طرازها و پارچه‌های زربفت، از شمش‌های طلا در این کارگاه‌ها استفاده می‌شد، لذا نظام دقیقی برای کنترل و محاسبه میزان طلای ورودی به کارگاه‌ها و میزان پارچه‌های زربفت تولیدی وجود داشت. بنابراین در سرزمین‌های اسلامی، سازمانی ایجاد گردید که بر تولید پارچه‌های زربفت و مشاغل مربوط به آن نظارت می‌کرد. طرازها از ابریشم، دیبای زربفت و پرنیان تهیه می‌شد. کتان و پنبه از الیاف بومی مصر است و برخی از شهرهای آن به تولید این الیاف معروف بودند. لذا بافندگان طراز، از این الیاف نیز برای تهیه طراز استفاده نموده‌اند. طرازها بافتی ساده داشتند و با رنگ‌های طبیعی یا سفید تهیه می‌شدند، اما خط نوشته‌ها و نقوش روی آنها با نخ‌های ابریشمی رنگی یا زرین کار می‌شد تا موجب متمایز شدن و برجسته شدن حروف گردد و در نگاه اول، بیننده را به خود جذب نماید. لذا خواندن خط نوشته‌ها از نظر بصری بین بیننده و مضمون



نوشته ارتباط برقرار می‌نمود. نوشته‌ها به صورت عبارات کوتاه یا بلند یا تکرار یک عبارت به صورت نوارهای باریک یا عریضی جداگانه تهیه شده و بر روی لباس متصل می‌گشت. خط مورد استفاده در طراز در ابتدا خط کوفی بود که به تدریج تکامل یافته و به عنصری تزئینی بدل شد. نمونه‌هایی از طراز دیده می‌شود که خط آنها شبه کوفی می‌باشد که کاملاً جنبه تزئینی یافته است. خط کوفی دارای تنوع در ترکیببندی است و برای پرکردن فضای زمینه، حروف می‌توانند تزئیناتی داشته باشند. در هنر اسلامی، حروف و کلمات جنبه تقدس یافتند و کاربرد آنها بر روی پارچه، علاوه بر رساندن مفاهیم و مضامین خاص، این ویژگی را نیز القا می‌کرد.

در سال‌های پایانی حکومت فاطمیان، کتیبه‌های برجسته‌ای بر روی طراز ابریشمی، سوزن‌دوزی می‌شد. سبک‌های زیادی از خط شکسته، به دلیل آسان‌تر بودن سوزن‌دوزی آنها، مورد توجه کارگاه‌های ساخت طراز قرار گرفت، تا جایی که زیبایی و تنوع تزئینات خط در منسوجات فاطمیان قابل توجه است. خط نوشته‌ها بر روی سینه، لبه و بازوی لباس ماموران غالباً دولتی قرار می‌گرفت. شخص سلطان، مهم‌ترین مصرف‌کننده طراز بود. زمانی که سلطان می‌خواست به افراد عالی‌مقام، افتخاری یا سمت دولتی اعطا کند، با طراز که در حکم مدال افتخاری بود، انجام می‌شد. افراد عالی‌مقام و همسرانشان، حامیان دولت مرکزی به‌علت وفاداری و حمایت از سلطان، ثروتمندان و بزرگان خارجی، مستحق دریافت طراز بودند. پادشاهانی که سلطان خواهان ایجاد ارتباط سیاسی با آنها بود، مانند فرمانروایان کشورهای اروپای جنوبی، از افرادی بودند که طراز دریافت می‌کردند. طرازها با خط نوشته همراه بودند و گاهی نیز نشانه‌ای از پادشاهان ساسانی خانوادگی داشتند که این رسم احتمالاً اقتباس شده بود و در اصل تأکیدی بر اصالت و نسب خلفای فاطمی داشت. عباراتی که در طراز نوشته می‌شد، غیر از دعا برای حاکم، شامل شعارهای مذهبی و دینی یا فهرستی از اسامی خلفای مشروع به منظور تأیید حقانیت حکومت سلطان بود. استفاده از تصاویر جانوران، گیاهان تجریدی و شکل‌های هندسی برای زیباتر کردن طراز نیز رواج داشت. شکل و مضمون خط نوشته‌ها با توجه به استفاده پارچه در محل یا مکان خاص نیز متفاوت بود. مثلاً یک دسته از پارچه‌ها به مصرف لباس‌هایی می‌رسید که بر آنها نوشته‌هایی در تأیید شاهان و بزرگان نوشته می‌شد. دسته دیگر به صورت پارچه‌هایی بود که ادعیه و آیات قرآنی داشتند و برای پوشش سنگ قبر یا کفن تدفین به کار می‌رفتند و یا به عنوان هدیه توسط پادشاهان و بزرگان به مناسبت‌های گوناگون رد و بدل می‌شد.

منابع

- ابن حوقل، محمد بن علی، (1345)، صورة الارض، دارصادر، بیروت.
برند، باربارا، (1383)، هنر اسلامی، مترجم مهناز شایسته‌فر، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
بلوم، جان‌اتان، شیلا بلر، کارل جی دوری، ریچارد اتینگهاوزن و آنگ گرابر، (1389)، تجلی معنا در هنر اسلامی، مترجم اکرم قیطاسی، سوره مهر، تهران.
بورکهارت، تیتوس (1392)، هنر اسلامی- زبان و بیان، مترجم مسعود رجب‌نیا، سروش، تهران.
بیکر، پاتریشیا، (1385)، منسوجات اسلامی، مترجم مهناز شایسته فر، موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.
چیت‌ساز، محمدرضا، (1379)، تاریخ پوشاک ایران از ابتدای اسلام تا حمله مغول، مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما و سمت، تهران.



- رایس، دیوید تالبوت، (1375)، هنر اسلامی، مترجم ماه ملک بهار، علمی و فرهنگی، تهران.
- زکی، محمدحسن، (1377)، هنر ایران، مترجم محمد ابراهیم اقلیدی، صدای معاصر، تهران.
- زکی، محمدحسن، (1382)، گنجینه‌های فاطمیون، مترجم ندا کلیجانی مقدم، دانشگاه الزهراء (س)، تهران.
- زیدان، جرجی، (1386)، تاریخ تمدن اسلام، مترجم علی اکبر جواهرکلام، امیرکبیر، تهران.
- سواژه، ژان (1366)، مدخل تاریخ شرق اسلامی، مترجم نوش‌آفرین انصاری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
- علی‌نژاد اسبویی، زهرا، (1390)، کارکردهای فرهنگی و سیاسی طراز در دوره سلجوقی، مطالعات تاریخ فرهنگی-پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال سوم شماره 9، صص 69-87.
- طالبپور، فریده، (1395) کارکردهای طراز در دوره فاطمیان، هنرهای زیبه-هنرهای تجسمی، دوره 21، شماره 2، صص 55-64.
- فریه، دبلیو. ر، (1374)، هنرهای ایران، مترجم پرویز مرزبان، فرزانه، تهران.
- کونل، ارنست، (1368)، هنر اسلامی، مترجم هوشنگ طاهری، مولی، تهران.
- متز، آدام، (1364)، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری یا رنسانس، جلد 2، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، امیرکبیر، تهران.
- وردی، حمیدرضا، (1385)، فاطمیان و هنرهای زیبا، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن دانشکده الهیات دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، شماره 9، پاییز، صص 181-206.
- همتی‌گلیان، عبدالله، (1389)، طراز در تمدن اسلامی، مطالعات اسلامی تاریخ و فرهنگ، شماره 84، بهار و تابستان، صص 103-122.

Baker, P (1995), Islamic Textiles, British Museum Press, London.

Cortese, Delia and Calderini, S., (2006), Women and the Fatimid's in the World of Islam, [Oxford University Press](#), USA.

Grohmann (1934), Encyclopedia, Islam, Leiden.

Harris, J. (1995), 5000 years of Textiles, British Museum Press, London.

Irene, A (1998), Writing Signed, The Fatimid Publiv Text, Bierman, University of California Press, California.

Liu, Xinru (1996), Silk and Religion-An Exploration of Material life and the thought of People, AD 600-1200, Oxford, University Press, India.

Serjeant, R.B (1972), Islamic Textiles, Librairie du Liban, Lebanon.